

## سعدی\*

### یان ریپکا

ما سعدی را یکی از محبوب‌ترین شعرای اخلاقی ادبیات فارسی و یکی از مشهورترین شعرای ایران، نه به صورت یک نفر مربی عبوس، بلکه به صورت شخصی بشاش، خوش مشرب با کورسویی از بذله‌گویی شیطنت‌آمیز، می‌دانیم. به هر حال سعدی، فردی است که شخصیت وی از بطن نوشته‌هایش چهره می‌نماید. تصویر واقعی سعدی را نمی‌توان با واقعیت‌های محدود تراجم احوال موجود وی، ترسیم کرد. حتی بر گفته‌های خود سعدی نیز اعتباری نیست؛ این گفته‌ها را نمی‌توان لفظ به لفظ پذیرفت و همین مسئله بازسازی زندگی‌نامه او را از لابه‌لای داستان‌های خودش که برای سرگرمی و یا تعلیم روایت کرده، مشکل می‌نماید.<sup>۱</sup> درباره سعدی اطلاعات هم‌زمان وجود ندارد و هر نکته هم جای شک و تردید دارد. به همین دلیل برای تعیین وقایع زندگی او قبل از سال ۱۲۷۵/۶۵۵ و بعد از سال ۱۲۸۱-۸۲/۶۸۰ اطلاعات دقیقی برای پیگیری موجود نیست، از این‌رو مجبوریم به فرضیات و احتمالات چنگ بزنیم.<sup>۲</sup> در مدارک قدیم نام سعدی به صورت مصلح‌الدین ابومحمد عبدالله بن مشرف بن مصلح بن مشرف معروف به سعدی شیرازی آمده<sup>۳</sup>، ولی اسامی دیگری نیز در این میانه ذکر شده است. آثار او مبین این است که وی

\* یان ریپکا، ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان، ترجمه: یعقوب آژند، چاپ اول، نشر گسترده، تهران ۱۳۶۴، ص ۱۰۱-۱۱۱.

در شیراز متولد شد؛ در سر تاسر عمر خود وفاداری و علاقه عجیبی نسبت به شهر خود نشان داد و وقتی هم در سفر بود این اشتیاق و علاقه را به نوعی ارائه کرد. تاریخ تولد او را فقط می‌توان از راه حدس عرضه نمود و در این میان اشاره عباس اقبال یعنی بین سال‌های ۱۵-۱۹/۶۱۰-۱۲۱۳ می‌تواند قریب به یقین باشد. سعدی عمر زیادی کرد، ولی البته نه ۱۲۰ سال که بعضی از داستان‌ها ارایه کرده است. سعدی در پرتو فرهنگ عمیق پدرش، از همان ایام کودکی تعلیمات خوبی را گذراند؛ او بارها از اشتیاق و ارشاد خردمندان پدرش یاد کرده است. پس از فوت پدر، مادر او تعلیم و تربیتش را به عهده گرفت (سعدی دوازده ساله بود که پدرش را از دست داد). شیراز در این زمان خالی از مدارس عالی نبود، از این‌رو سعدی تعلیمات اولیه خود را در آن‌جا گذراند؛ تحصیلات وی در شیراز با سفری که به بغداد نمود، قطع شد و دلیل این کار هم گویا ترس از «ترکان» بوده است (و یا لاقلاً آن چیزی که سعدی در گلستان بدان اشاره می‌کند). در افواه است که سعدی را اتابکان سلغری شیراز برای تعلیم و تحصیل به بغداد فرستادند؛ لیکن این سفر وی نمی‌تواند تا سال ۱۱۹۶/۵۹۲ باشد چون گزارش شده که او در دانشگاه معروف شافعی نظامیه به تحصیل پرداخته است. از این‌ها گذشته، معقول نمی‌نماید که اتابک شیراز یک چنین لطفی را در حق یک جوان معمولی - ولو تحصیل کرده - کرده باشد. کوشش‌هایی نیز برای کشف تواریخ خاص از نام‌هایی که خود سعدی از استادان نظامیه بغداد نمود، انجام شده است؛ و در این‌جا مشکلاتی پیش‌رو قرار گرفته است. از قطعاتی که سعدی در آنها خود را مرد مسن پنجاه یا شصت ساله می‌نامد نمی‌توان چیزی درک کرد. فقط می‌دانیم که سعدی پس از تکمیل تحصیلات خود، راهی سفر عراق، سوریه و حجاز شد. از سوی دیگر نمی‌توان باور کرد که او سفری هم به شرق ایران، ماوراءالنهر و هند داشته است. داستان ساختگی از بین بردن بت معبد سومنات توسط سعدی نیز خط بطلان بر سفر او به هند می‌کشد. نظیر این مسئله، توصیف باور نکردنی ملاقات او با جوانی در کاشغر است (البته اگر واقعی باشد) که گویا قبل از تکمیل کتاب

گلستان بوده و صیت شاعری او در همه جا پیچیده بود؛ حتی اگر تاریخ معاهده صلح بین خوارزمشاه و قراختائیان (در حدود سال ۱۲۱۰ م.) به طور دل‌بخواه جلوتر حساب شود، باز این کار غیر ممکن می‌نماید. این واقعیت هم که در المعجم (۳/۶۳۰-۱۲۳۲) تألیف شمس قیس، هیچ‌یک از اشعار سعدی نقل نشده (در حالی که اشعار زیادی از شاعران این دوره روایت گشته)، شاهدی بر این مدعاست.

در گلستان آمده که سعدی از تبریز دیدن کرد و در جریان این سفر با صاحب‌دیوان شمس‌الدین محمد جوینی و برادرش علاء‌الدین عطاء ملک جوینی و خود ایلخان آباقا دیدار نمود و بنا به درخواست خود آنها به آنان توصیه‌هایی کرد - این توصیه‌ها برای جا انداختن این واقعه، توصیه‌ها و اندرزهای ساده و بی‌ریا قلمداد گشته است. این‌که سعدی در زمان خود از شهرت زیادی برخوردار بود جای هیچ تردیدی نیست (آباقا از سال ۶۶۳ تا ۱۲۶۵/۸۲/۶۸۰ حکومت کرد) لیکن سفر تنهای او به تبریز جای تردید دارد چون با این‌که وی صاحب‌دیوان جوینی را مدح گفته ولی فقط به توصیف سفرهای دیگرش پرداخته و از این سفرش صحبتی به میان نیاورده است. درباره دریدارهای دیگر او با شخصیت‌های معروف این دوره، داستان‌ها پرداخته‌اند که هیچ کدام نقشی از حقیقت ندارد. مثلاً گزارش شده که سعدی در شیراز با شیخ صفی‌الدین، جد اعلای صفویه دیدار کرده و او را نماینده عقاید شدید شیعی معرفی نموده است؛ در این داستان، به خاطر بعضی از مصالح، سنی بودن هر دو نفر اینها در نظر گرفته نشده است. برگشت سعدی به شیراز پس از سال‌ها سیر و سفر، مبین نخستین تاریخ واقعی و موثق است. سعدی پس از این‌که کتاب بوستان خود را تکمیل نمود (۱۲۵۷/۶۵۵) و یک سال بعد نیز گلستان را تألیف کرد (این دو اثر به نثر و نظم هستند)، بوستان را به مظفرالدین ابوبکر بن سعد زنگی اتابک فارس و گلستان را به سعد بن ابوبکر بن سعد زنگی - که سعدی تخلص خود را از نام او گرفته - تقدیم نمود. استفاده از نام یک‌نفر پادشاه به عنوان تخلص اهمیت چندانی نداشت چون در این میان موارد و نمونه‌های زیادی وجود دارد که یکی از آن

تخلص قاآنی در قرن نوزدهم میلادی است. سعدی مسلماً خیلی پیش از این تاریخ دست به نوشتن زده، لیکن شهرت چندانى به هم نزده است، وقتی که شیراز را ترک گفت یک نفر گمنام بود و گمنام نیز به شیراز برگشت. شهرت او - که بسیار شگفت‌انگیز نیز هست - پس از تألیف بوستان و مخصوصاً گلستان آغاز شد که هر دوی این آثار، هم امروز از شهرت جهانی برخوردار است.

اشاره سعدی مبنی بر این‌که بوستان را بلافاصله پس از برگشت به شیراز و گلستان را یک سال پس از آن تألیف نمود، مبین این مفهوم است که او قطعاً را که ارمغان سفرهایش بود، تکمیل کرده است، چون یک چنین دوره کوتاهی، برای تألیف یک اثر بنیادی و عمده، بسیار نامناسب بود و این دوره اصلاً اشاره‌ای بر تکمیل و تکوین بلاغت آثار او ندارد. سعدی سال‌های سال در شهر محبوب خود شیراز مقیم شد و تمام هم و غم خود را در انزوا صرف کشف و شهود و شعر نمود؛ او از تجارب عظیمی که در خلال عمرش تحصیل کرده بود برای اظهار پند و اندرز به حکام و رعایا، مریدان و هواداران استفاده کرد و ضمناً از شادی‌های آنها شاد و از هبه‌ها و نعمات و اعاشه آنها سخت محظوظ شد. این دوره، احتمالاً تصنیف اکثر اشعار غنایی وی، چه غزلیات و چه قصائد تعلیمی او است که در آنها بزرگان و عوام را در خلال وقایع جاری به نصیحت نشست.<sup>۹</sup> جالب توجه است که وی در این دوره به فوت برادران جوینی هیچ اشاره‌ای نکرده است؛ آیا او ترسیده و یا این‌که نوشتن در این خصوص را از مدت‌ها پیش متوقف ساخته بود؟ نفیسی در میان افراد بی‌شماری از محققین، سال فوت سعدی را عرضه کرده و آن را ۲۷ ذوالحجه ۹/۶۹۱ دسامبر ۱۲۹۲ نوشته است.<sup>۱۰</sup>

نمی‌توان قاطعانه اظهار داشت که سعدی جزو عرفا بوده است. (البته باید بعضی از ابهامات غزلیات او را که بوی عرفان می‌دهد، ندیده گرفت، چون آوردن این نوع ابهامات در غزل یک امر عادی بوده است.) مهم‌ترین دلیلی که می‌توان در خصوص عرفان سعدی اظهار کرد، بابی در مسئله عشق کتاب بوستان اوست. مع‌هذا مبین گرایش او به

سوی کشف و شهود نیست بلکه بیشتر زهد و تقوی مد نظرش است و درونمایه‌هایش نیز بیشتر نه اخلاقیات فلسفی بلکه مکتب نفع‌پرستی است. همین مسئله می‌رساند که چرا وی در مقام یک نفر معلم اخلاق، توجه خاصی به جزئیات آیین‌های اخلاقی - که در جای دیگر به طرح آنها پرداخته - نمی‌کند، بلکه سعی می‌نماید استثناهایی را پیش بکشد که در صورت «علاج عکس آنها صادق است»، به نظر او حقیقت، تو خالی است لیکن می‌شود در جای خود دروغ مصلحت‌آمیز نیز بر زبان راند. سعدی این مسئله را در نخستین حکایت، اولین باب گلستان پیش می‌کشد و آن زمانی است که انسانیت حکم می‌کند اصل حقیقت پوشیده بماند، چون در غیر این صورت حرص و طمع و حماقت شاه و سبعت مشاورین وی، قتل عام و خونریزی راه می‌اندازد. در آثار سعدی از این تناقضات زیاد است. سعدی در زندگی حقیقی خود نیز هیچ وقت پای‌بند اصول اخلاقی شدیدی نبوده است. اگر سعدی جزو افراد نادر ادبیات فارسی است که به آزادی بیان ادبی ارزش زیادی قایل بوده و چاپلوسی در قصیده را دوست نمی‌داشته و قصد تنبیه و آگاه‌سازی در آنها داشته و خود را به دلیل مصاحبه و مباحثه با حکام به سرزنش می‌نشسته، پس چه‌طور به خود اجازه داده تا هولاکو را که سلجوق‌شاه سلغری را از صفحه روزگار پاک کرد و بغداد را با خاک یکسان نمود و مستعصم آخرین خلیفه عباسی را به طرز فجیعی از میان برداشت، مدح نماید؟ و نیز چرا وی در رثائیه‌ای به سوگ این خلیفه نشسته؟ چون این کارش مخالف با سیاست و خطمشی ارباب شیرازش ابوبکر بن سعد بود که با این‌که یک نفر سنی مذهب بود، لیکن قشون خود را در معیت مغولان برای ویران‌سازی بغداد، مرکز تسنن اسلامی گسیل داشت. شبلی معتقد است که با این‌که سعدی را جزو عرفای بزرگ به حساب آورده‌اند، ولی حقیقتاً او صوفی نبوده و تلاشی هم برای پیشبرد و توسعه عرفان نکرده، بلکه گرایش خاصی به شیوه ملاحا داشته است<sup>۱</sup>؛ در واقع خود سعدی می‌گوید که وقتی نوجوانی بیش نبوده، پدرش او را به دلیل خودبینی و عیب‌جویی از

دیگران، تنبیه کرده است. سعدی همچنین از لواط بد گفته، با این‌که خود مظهر از این مسایل نیز نبوده است.

محصولات ادبی سعدی مشتمل بر انواع شعر غنایی و نیز حماسه تعلیمی و نثر بلیغ و فصیح است. حماسه قهرمانی با طبع آرامش طلب او سازگار نبود (مطلع رزمی یکی از داستان‌های بوستان نشان می‌دهد که اگر وی می‌خواست، می‌توانست در این نوع شعر نیز سرآمد گردد).

سعدی که قصه‌گوی ماهری بود، هیچ‌وقت خود را منحصر به یک مضمون واحد شعری که در حماسه‌های رمانتیک مستلزم هزاران بیت بود و نیز به اشعار تعلیمی با مفاهیم متنوع، نکرد. با این‌که او غزل را در آن ایام به اوج هنری و تکامل خود رسانید، ولی بیشترین شهرت او به خاطر تألیف کتاب گلستان بود. بدین ترتیب سعدی نشان داد که استاد کامل نظم و نثر است.

آثار تعلیمی عمده سعدی بوستان و گلستان است. در واقع اشعار اخلاقی مدت‌ها پیش از سعدی در صحنه ادبیات فارسی ظاهر شده بود، ولی سعدی، بزرگ شاعر شیراز، آن را برای نخستین بار به سطح شیراز واقعی ارتقاء داد. بوستان و یا به عبارت صحیح‌تر سعدی‌نامه حماسه‌ای است در بحر متقارب که به غلط به صورت یک حماسه خاص قهرمانی به شمار آمده است. اشعار آن ۴۵۰۰ بیت است که به غیر از مقدمه آن (که بیانگر مذهب تسنن است) به ده باب درباره خصایل مختلف انسانی تقسیم شده است. سعدی هر کدام از باب‌ها را با اجمالی از یک مسئله نظری آغاز می‌کند و سپس آن را با تجربه خویش و یا توسط افسانه‌ها، تاریخ و غیر آن و با شیوه معمولی مثنوی‌های تعلیمی مجسم می‌سازد. این تمثیلات که اغلب خلاصه هم هستند در سایر آثار مشابه نیز بارها دیده می‌شود.

گلستان نیز همان الگوی ایدئولوژیک را دنبال می‌کند. قالب آن اثری در تحول نثر فارسی نداشته، چون به نثر مسجع و مقفی همراه با اشعار مناجات گونه عبدالله

انصاری (متوفی ۱۰۸۸/۴۸۱) که گویا الگوی سعدی بوده، تألیف یافته است (یک سوم مطالب این اثر، به صورت منظوم است). گلستان در مقایسه با بوستان که در آن تمثیلات با مسایل اخلاقی پیوند خورده، شامل حکایاتی است که یک یا دو بیت به عنوان نتیجه، زینت بخش آن‌هاست؛ این قالب در واقع نوعی مقامه کوتاه است.

گلستان مرکب از یک دیباچه و هشت باب است که در آنها مواد روایی تحت عناوین ویژه‌ای تدوین شده است. گاه‌گاهی عنوان یک باب با حکایت مخصوص آن نمی‌خواند و گاهی هم نتیجه بی‌ربطی از حکایت حاصل می‌شود. در این‌جا ویژگی اسلوب سعدی تسلط وی بر زبان، سادگی و سلاست (که فقط در دیباچه پر زرق و برق آن دیده نمی‌شود) و ایجاز است که در آن روزگار بی‌نظیر بود. اگر در بوستان نتوان اشعار فلسفی عمیقی پیدا کرد (به جز باب عشق و جوانی) در عوض گلستان مشحون از مفاهیم عملی و جامعه‌گرایی ملموس است که در آن نتایج حاصله در کسوت اشعار مقبول و بی‌نظیر جایگاه ویژه‌ای دارد. از آن‌جا که گلستان سعدی با سبک سلیس و سحرآمیز و شیوه سهل ممتنع نوشته شده، لذا ترجمه آن به زبان‌های دیگر مقدور نیست چون اثر به صورت پیش پا افتاده‌ای در می‌آید. چون مترجم در این‌جا با اشعاری که در اتباط با وقایع پیش پا افتاده روزانه است، سر و کار دارد و وقوع آنها مستلزم هیچ نوع درس و عبرتی نیست. لحن این اثر چند بعدی است، جد با هزل، اوج با حسیض در آمیخته است. در آن قطعات مشکل چندی نیز وجود دارد؛ بهترین نمونه جدال سعدی با مدعی درباره اغنیاء است که بی‌تفاوتی آنها را در قبال فقرا و فلک‌زده‌ها به انتقاد می‌نشیند. در نظر اول چنین می‌نماید که سعدی در صدد دفاع از اغنیاء است؛ لیکن با یک نگاه عمیق به طنز فخم و گزنده‌اش، جهت‌گیری اصلی وی مشخص می‌گردد.

این دو اثر سعدی (اول گلستان و بعد بوستان) مقلدین زیادی در پی داشت. بهترین آنها بهارستان جامی تألیف در سال ۱۴۸۷/۸۹۲ و کتاب پریشان‌قآنی تألیف در سال ۱۸۳۶/۱۱۵۲ می‌باشد.

سعدی با این‌که معروف دربارها بود، لیکن یک شاعر محض درباری به شمار نمی‌آید؛ چون جذابیت قصیده، او را به طرف مدح کشانده است و تمام نقطه ضعف و اتهام سعدی نیز در همین قصاید نهفته است. طبقه‌بندی اشعار تغزلی وی به سیاق قدیم شامل چهار مجموعه قصاید و یک مجموعه مفصل غزلیات است. اما بین او و بین پیشروان او یک فرق بزرگ وجود دارد. او با این‌که به دربارهای زیادی رفت و آمد داشت، ولی هرگز عقیده خود را مبنی بر آزادی کلام و آزادی قلم از دست نداد؛ و هرگز هم دست تکدی به سوی این و آن دراز نکرد. مدایح وی حفظ شده است؛ وی ظهیر فاریابی را به دلیل اغراق بیش از حد ملامت می‌کند و نیز تمام افرادی را که می‌خواهند در قصاید خود پند و اندرزی به شاهان بدهند خطاب قرار می‌دهد و بر وجوب عدالت و سخاوت و نیکوکاری پادشاهان تأکید می‌نماید و در جای جای اشعار خود اشاره بر جهان‌گذران دارد. سعدی برای انجام این کار مجبور بود از نوعی بیان نصیحت‌گر و پندآمیز سود جوید و الا جسارت و گستاخی‌اش خطر می‌آفرید؛ مع‌هذا مرجعیت و قدرت شخصی وی، حافظ او بود. عنصر تعلیمی، در این اشعار غنایی جایگاه ویژه‌ای دارد و تغزل از اهمیت کمتری برخوردار است. نمی‌توان اظهار داشت که همه قصاید او دارای ارزش یکسانی هستند، چون برخی از آنها پیش پا افتاده و یک‌نواختند.

بخش عمده تألیفات سعدی را از نظر محتوا و میدان دید، غزلیان او همراه با مجموعه‌ای از سخنان کوتاه و کلمات حکیمانه که صاحبیه نامیده می‌شود و نیز قطعات، رباعیات و مفردات وی تشکیل می‌دهد. سعدی قبل از حافظ، پیشرفت یک صد ساله غزل را به اوج خود رسانید. لیکن نبوغ ویژه سعدی چه بوده است؟ قبل از همه بایستی اظهار داشت که او در مدایح خود با کلمات بازی نکرده، بلکه احساس خود را در قالب ملموسی ریخته و حالت واقع‌گرایانه و عالی بدان بخشیده است. طبق نوشته بهار، بعضی از اشعار سعدی، مضامین سیاسی را در کسوت شراب و شاهد می‌نمایاند. البته سعدی هنگامی که به تمام جنبه‌های ریاکاری و دورویی حمله می‌کند یک شاعر ناب اخلاقی است. او در



اشعار خود موضوعات تازه‌ای ایجاد کرده و رنگ و بوی جدید بدان‌ها بخشیده است. سادگی زبان، تناسب اوزان، صراحت قطعات و شیوه مستقیمی که هر کدام از حکایات نتیجه ویژه خود را عرضه می‌کند، از دیگر خصایص آثار سعدی است.

اخیراً بررسی نقادانه‌ای از آثار سعدی توسط فروغی و علی اف صورت گرفته است. اعلام شده که شش رساله منثور با نثر مسجع (نظیر نثر گلستان) از سعدی به جا مانده که هیچ‌کدام از آنها نمی‌تواند با واقعیت جور در بیاید. به این شش رساله باید یک رساله هفتمی نیز افزود که رساله‌ای توخالی مرکب از مواعظ عرفانی و مذهبی در تقریر رساله دوم است و این هم احتمالاً جعلی است. مع الوصف تردیدی نیست که خود سعدی بعضی از قصه‌های کوتاه باب پنجم گلستان را به رشته تحریر درآورده که در آنها بویی از گلزار گلستان به مشام نمی‌رسد. وجود این نوع قصه‌ها، صحت مطایبات یا طبیات و یا هزلیات را ثابت می‌کند؛ اینها مجموعه‌ای از اشعار یکنواخت و بدون سائقه هنری است که سعدی از روی مصلحت آنها را سروده است و خود نیز در مقدمه‌اش پوزش طلبیده است. بوزانی معتقد است که این جنبه آثار سعدی و آثار دیگران، یکی از نمونه‌های برجسته واقع‌گرایی ادبیات کهن فارسی می‌باشد؛ که در جای خود بسیار خشک و توخالی نیز هست. نویسندگی پندنامه نیز در محاق تردید است؛ این پندنامه زمانی یکی از متون بررسی‌های غرب به شمار می‌رفت چون شاعر در آنها بدون این‌که در پی اوج ارتقاء هنری باشد، بعضی از اصول پر سر و صدا را مطرح کرده است.

سعدی در ادبیات فارسی و نیز در ادبیات جهان یکی از افراد محبوب و چند بعدی است. از این‌رو نمی‌توان عقاید او در یک سیستم منسجم و یک‌پارچه تلفیق نمود. او که شاعری فعالی و فیاض همراه با تضادهای گوناگون بود، هرگز قاطعیت نداشت و بیشترین جاذبه او نیز احتمالاً در تضاد عقاید متناقضش نهفته است. این عقاید وی اکثر اوقات عاری از لطافت است ولی با چنان زبان و بیان محکمی ابراز گشته که حتی برای فرد ساده‌نگری نیز قابل فهم است. تعدادی از سخنان وی به صورت ضرب‌المثل درآمده

و حال آن‌که اصل و ریشه آنها ضرب‌المثل نیست. سعدی با بهره‌گیری از تجارب فردوسی، اسدی، سنایی، انوری، ظهیر فاریابی و حتی شاعر معروف عرب متنبی (متوفی ۹۶۵/۳۵۴)، خوانندگان وسیعی را به سوی خود جلب کرده و حال آن‌که نوعی سلاست غیرقابل تقلید کل آثار او را پوشانده و آنها را سهل و ممتنع ساخته است. یکی از آرمان‌های برجسته او، اخوت تمام انسان‌هاست و عرفان او نیز از راه تشویق به زندگی فعالانه و متعادل به خدمت توده مردم درآمده است؛ او با شیوه ویژه خود به تسامح، بی‌عدالتی، استثمار، و خشکاندیشی و خشکه پارسایی تاخته است. ولی موفقیت و کامیابی بی‌نظیر و پایای سعدی بیشتر از همه در جهان شمولی او و نیز فلسفه مناسب اخلاقی‌اش نهفته است. سعدی آینه تمام‌نمای زبان فارسی است، چنان‌که اکثر افراد او را با این دیده می‌نگرند.

#### پی‌نوشت:

۱. مثلاً هیچ‌کس داستان درویشی را که با ردا و جبه از رودخانه عبور کرد باور نمی‌کند.
۲. اقبال، سعدی‌نامه، ص ۶۳۲.
۳. نفیسی، تاریخ درست، ص ۶۵.
۴. اشعاری از سعدی باقی‌مانده که به گویش شیرازی سروده شده است.
۵. تاریخ درست.
۶. شعر، جلد ۲، ص ۳۴.